

تحلیل مناسبات «انقلاب اسلامی» و «فوروم اجتماعی جهانی» در عرصه تدبیر جهانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸

حسن ناصرخاکی*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۶

علی مرشدی‌زاده**

چکیده

با توجه به اهمیت نقش‌آفرینی انقلاب اسلامی در عرصه جهانی و اهمیت روز افزون نقش جنبش‌های نوین اجتماعی در عرصه تدبیر جهانی، این مقاله به دنبال بررسی این سؤال اساسی است که فوروم اجتماعی جهانی به عنوان یکی از مهمترین جنبش‌های نوین اجتماعی چه نسبتی با انقلاب اسلامی داشته و چه تاثیری در پیشبرد انقلاب اسلامی در عرصه تدبیر جهانی دارد؟ پاسخ بدین سؤال مستلزم بررسی مناسبات دو سویه بین این جنبش و انقلاب اسلامی است. در این راستا این مقاله با توجه به مبانی نظری مطرح شده و با روشی کیفی به مطالعه تطبیقی سه مؤلفه: هویت، هدف و رقیب در انقلاب اسلامی و فوروم اجتماعی جهانی پرداخته است. بدین منظور ابتدا با تکنیک مقوله‌بندی و کدگذاری، مولفه‌های جنبش‌ساز انقلاب اسلامی و فوروم اجتماعی جهانی استخراج شده و سپس آنها را مقایسه و نسبت‌سنجی کرده است. با توجه به یافته‌های این تحقیق می‌توان گفت که از نظر مؤلفه هویت، انقلاب اسلامی دارای هویتی فراگیرتر از فوروم اجتماعی جهانی است. از منظر مولفه‌های هدف و رقیب، هرچند میان انقلاب اسلامی و اهداف و رقبای فوروم تفاوت‌هایی وجود دارد؛ اما مشترکات مهمی نیز میان آنها برقرار است و لذا زمینه همسویی و ظرفیت‌سازی برای هم‌افزایی میان آنها در عرصه تدبیر جهانی وجود دارد.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، جنبش‌های نوین اجتماعی، فوروم اجتماعی جهانی، تدبیر

جهانی

صفحات: ۷۴-۴۵

* دانش‌آموخته دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول).

naserkhaki@yahoo.com

** دانشیار گروه علوم سیاسی

و مطالعات انقلاب اسلامی،

دانشگاه شاهد.

alimorshedizad@yahoo.com

com

مقدمه

انقلاب‌های بزرگ اجتماعی دارای ارزش‌ها و آرمان‌هایی فراگیر هستند. هر اندازه که آرمان انقلاب‌ها فراگیرتر باشد دامنه تأثیر و امواج انقلابی ناشی از آن نیز گسترده‌تر بوده و از سطح ملی به سطوح فراملی و جهانی می‌رسد. این امر به خوبی در انقلاب‌های بزرگی همچون انقلاب فرانسه، روسیه و ایران قابل مشاهده است. در این میان انقلاب اسلامی ایران با فراخواندن انسانها به ارزش‌های الهی و ارائه هویتی مبتنی بر عقلانیت و معنویت برای انسان معاصر، به هنگام پیروزی در ابعادی فراملی بازتاب یافت و موج جدیدی از توجه به دین، فرهنگ و هویت‌گرایی در شکل‌دهی به اراده جمعی در جهان ایجاد نمود به گونه‌ای که اسلام در این دوران انقلابی به عنوان «روح یک جهان بی‌روح» (فوکو ۱۳۹۱: ۶۱) مطرح گشت. انقلاب اسلامی متأثر از هویت فرهنگی خود نگرشی هنجارگرا داشته، از منظری بازاندیشانه و موضعی تحول‌خواهانه به وضع موجود در عرصه جهانی نگرسته است.

مسئله آن است که با وجود پیگیری آرمان‌های جهانی این انقلاب توسط انقلابیون اسلام‌گرا، و اتخاذ راهبردها و راهکارهای متنوع، آن‌گونه که بایسته و شایسته بوده، اشاعه و تحقق نیافته است. در واکاوی اولیه از عوامل و موانع موجود در این مسیر، می‌توان به این موارد اشاره کرد: نبود اجماع در مورد این آرمان‌ها، نبود نظریه‌های کارآمد، عدم وجود سیاست‌های جامع، اتکا به نهادها و ظرفیت‌های دولتی و عدم استفاده از ظرفیت کنشگران، نهادها، تشکل‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی غیردولتی. نظریه‌پردازی پیرامون پی‌گیری آرمان‌های جهانی انقلاب، از یک سو نیازمند شناسایی دقیق و واقع‌بینانه توانمندی‌های بالقوه و بالفعل انقلاب و از سوی دیگر نیازمند شناخت دقیق از نظام و ساختار قدرت جهانی و به ویژه تغییرات پی‌در پی در عرصه جهانی است؛ تا با شناسایی و تبیین ظرفیتها، فرصتها و تهدیدهای ناشی از این تغییرات، رویکردها و راهبردهای روزآمدی انتخاب گردد.

از مهم‌ترین تغییرات رخ داده در عرصه جهانی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ایجاد جامعه شبکه‌ای، شکل‌گیری حوزه‌های موضوعی جهانگیر،

شکل‌گیری بین‌المللی‌گرایی‌های ارتباطی و درهم‌آمیختگی سپهرهای سیاسی و غیر سیاسی حیات اجتماعی که همگی منجر به افزایش نقش جنبش‌های نوین اجتماعی در سپهر سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در عرصه جهانی گردیده‌اند (مشیرزاده ۱۳۸۱: ۱۷۶-۱۸۱). از دیگر عوامل افزایش اهمیت جنبش‌های نوین اجتماعی حرکت نظام بین‌الملل به سمت نظام «فردی-جهانی شده» (سیف‌زاده ۱۳۸۴: ۱۳۵-۱۳۹) و مفهوم «تدبیر جهانی امور»^۱ است.

تدبیر و اداره امور جهانی^۱ مفهومی است که به مجموعه فرآیندهای هنجاری، اجتماعی، حقوقی و نهادی اشاره دارد که تعامل میانی جهانی شدن و تجزیه جهان را تنظیم و گاه کنترل می‌کنند (Clark & Edwards 2004). به طور کلی تدبیر جهانی امور به ساختارهای رسمی و غیر رسمی و ترتیبات باز می‌گردد و به طور ضمنی حاکی از آن است که دولت‌ها نمی‌توانند به تنهایی مسائل را مدیریت کنند. ویژگی مهم تدبیر و اداره امور این است که از یک سو آماج قواعد آن را نه فقط دولت‌ها بلکه مجموعه‌ای از کنشگران متعدد تشکیل می‌دهند و از سوی دیگر کنشگران متعددی در فرایند تصمیم‌گیری‌های منتهی به شکل‌گیری و اجرای قواعد آن دخیل هستند (Zurn 2004: 268-269). جنبش‌های اجتماعی فراملی نیز یکی از این کنشگران محسوب می‌شوند که به طرق مستقیم و غیر مستقیم در صدد تاثیرگذاری بر تصمیمات و نیز اجرایی شدن آنها هستند تا از این طریق بتوانند تغییرات مورد نظر خود را ایجاد کنند (Scholte 2000).

از سویی دیگر در نظام متحول جهانی مفهوم نظم در حال تغییر بوده و مفهوم روابط بین‌المللی «فردی-جهانی» شده نشانگر افزایش نقش «فرد» و «کنشگر» در تحولات جهانی است. در نتیجه این تحول معنایی، مفاهیم دولت ملی، حکومت، امنیت، قدرت و... نیز به شدت تحول یافته، دولت ملی حصار رسوخ‌ناپذیر خود را از دست داده و «فرد» توانمندی دسترسی به سطح جهانی را یافته است. (سیف‌زاده ۱۳۷۸: ۲۰۰) بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که از

1. Global Governance
2. Governance

این پس کنشگر فردی و جنبش‌های نوین اجتماعی که به دنبال پی‌گیری حقوق فرهنگی و اجتماعی فرد در عرصه داخلی و فراملی هستند بیش از گذشته در عرصه جهانی نقش‌آفرینی خواهند کرد و این نقش‌آفرینی به ویژه در عرصه تدبیر جهانی امور تاثیرگذار خواهد بود لذا ضروری است که در پی‌گیری آرمان‌های جهانی انقلاب اسلامی به مفهوم تدبیر جهانی و نقش جنبش‌های نوین اجتماعی و تعاملاتی که انقلاب اسلامی و کنشگران معتقد به انقلاب اسلامی با این جنبش‌ها می‌توانند برقرار کنند توجه نمود.

با توجه به موارد فوق می‌بایست به این سؤال اساسی پاسخ داد که جنبش‌های نوین اجتماعی چه نسبتی با انقلاب اسلامی داشته و چه تاثیری در پیشبرد انقلاب اسلامی در عرصه تدبیر جهانی دارند؟ برای پاسخ ضروری است مطالعات عمیقی پیرامون نقش، ظرفیتها و موانعی که جنبش‌های نوین اجتماعی در پیشبرد آرمان‌ها و ارزش‌های جهانی ایجاد می‌کنند و مناسبات دوسویه‌ای که بین جنبش‌های نوین اجتماعی و انقلاب اسلامی وجود دارد، صورت گیرد تا تحلیل جامعی از این بحث ارائه گردد. در این راستا این مقاله بر آن است که بر اساس یکی از نظریات موجود در زمینه جنبش‌های نوین اجتماعی، تحلیلی از تناسب «فوروم اجتماعی جهانی»^۱ به عنوان یکی از جنبش‌های نوین فعال در جهان با انقلاب اسلامی در عرصه جهانی ارائه نماید.

توجه به فوروم اجتماعی جهانی از آن جهت حائز اهمیت است که این فوروم به عنوان یکی از مهمترین جنبش‌های «جهانی‌شدن دیگر» به مثابه فضایی برای مقاومت شناخته شده و تنها فضایی است که به عنوان اپوزیسیون سلبی همه‌ی طرف‌های بحث مبارزه با امپریالیسم و نئولیبرالیسم در آن گرد هم آمده و به مباحثه در این مورد می‌پردازند. فوروم اجتماعی نقطه عطف و معرف انتقال از مقاومت پراکنده و دفاعی به فاز گردآوری نیرو است. فوروم در عین حال به مرحله‌ای نظر دارد که مفصل‌بندی میان جنبش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بین‌المللی بتواند با نئولیبرالیسم مقابله کند و بر آن

فائق آید (sader 2002). لذا با توجه به برجسته بودن وجوه ضدامپریالیستی و ضدسرمایه‌داری در انقلاب اسلامی و فروم اجتماعی جهانی، بررسی نسبت‌های انقلاب اسلامی و فروم اجتماعی جهانی و سنجش امکان هم‌افزایی این دو در عرصه نقش‌آفرینی بیشتر در عرصه تدبیر جهانی قابل توجه و حائز اهمیت است.

پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی صورت‌گرفته، تاکنون اثری پیرامون مناسبات انقلاب اسلامی و فروم اجتماعی جهانی منتشر نشده و مطالب بسیار محدودی در مورد توصیف این جنبش منتشر شده است. از جمله آنها می‌توان به مقاله‌ای با عنوان: «پورتوآلگره ۲۰۰۱- چشم در برابر چشم» اشاره کرد. نویسنده در این مقاله به توصیف این جنبش از نظر چند متفکر پرداخته و معتقد است که این جنبش، عرصه بین‌المللی جدیدی برای سازماندهی فعالیتها علیه سیاست‌های نئولیبرال و در اولویت قرارگرفتن عدالت اجتماعی است (ایزدی ۱۳۸۰: ۳۱۹). در برخی از کتب نیز اشاراتی به جنبش جهانی شدن دیگر (و نه نسبت این جنبش با انقلاب اسلامی) شده است. از میان این کتابها می‌توان به کتابهای: «پارادایم جدید: برای فهم دنیای امروز» نوشته آلن تورن و سه گانه «عصر اطلاعات» نوشته مانوئل کاستلز اشاره کرد که در این تحقیق، مورد استفاده قرارگرفته‌اند. نکته مهم آنکه، سنجش نسبت انقلاب اسلامی و فروم اجتماعی جهانی مورد توجه این آثار نبوده و از این نظر تحقیق حاضر، پژوهشی جدید به حساب می‌آید.

مبانی نظری

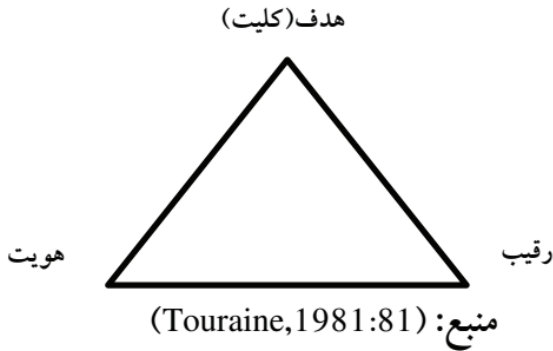
در تبیین جنبش‌های اجتماعی دورویکرد اساسی مطرح گشته که عبارتند از: رویکرد آمریکایی یا ابزاری و رویکرد اروپایی یا ایرانی. نظریه جنبش نوین اجتماعی که ناشی از رویکرد اروپایی است به دگرگونی‌های صورت‌گرفته در مبنای ساختاری منازعه می‌پردازد

(دلپورتا و دیانی ۱۳۹۰: ۱۵). تمایز این دو رویکرد علاوه بر تفاوت در سنتهای فکری امریکایی و اروپایی به تنوع موضوعات مورد مطالعه نیز مرتبط هستند. نظریه جنبش نوین اجتماعی در واکنش به تجزیه و تحلیل سنتی جنبش اجتماعی شکل گرفت و نظریه پردازان جنبش اجتماعی جدید، تجزیه و تحلیل اجتماعی-روانشناختی جنبش‌های اجتماعی را که ویژگی بارز نظریه محرومیت نسبی و نظریه جامعه توده‌وار بود را رها کردند.

آنان به واسطه مطالعات خود دریافته‌اند که جنبش‌های اجتماعی بر هویت‌سازی، تغییر ساختاری و کنترل اطلاعات تمرکز دارند تا بر تغییر تأثیر بگذارند (فلین ۱۳۹۶: ۱۴۶). از مهمترین نظریه‌پردازان جنبش‌های نوین اجتماعی می‌توان به: «آلن تورن»، «آلبرتو ملوچی»، «مانوئل کاستلز» و «کلاس اوفه» اشاره نمود. از میان این نظریه‌پردازان آلن تورن جایگاه برجسته‌تری دارد، و برای پارادایم معطوف به هویت، وسیع‌ترین چارچوب نظری را ایجاد کرده است (کوهن ۱۳۸۶: ۴۶).

تورن معتقد است که زندگی اجتماعی از طریق دستاوردهای فرهنگی و تعارض‌های اجتماعی تولید می‌شود و در قلب جامعه، جنبش‌های اجتماعی شعله‌ور هستند (Touraine 1981: 1). لذا جنبش‌های اجتماعی کانون محوری اندیشه تورن پیرامون جامعه هستند. جامعه‌ای که به نظر او، بیش از هر چیز دیگری، باید به عنوان مجموعه‌ای از روابط و جنبش‌های اجتماعی، محصولات فرهنگی و مبارزات سیاسی (Touraine 1981: 7)، مجموعه‌ای سلسله‌مراتبی از نظام‌های کنش (Touraine 1981: 25) و جامعه‌ای که خود را در خلال تعارض‌ها و جهت‌گیرهای هنجاری‌اش، [از نظر] مادی و اخلاقی تولید می‌کند (Touraine 1981: 47) در نظر گرفت. تورن معتقد است که جنبش اجتماعی، ترکیبی از مولفه‌های هویت، رقیب (مخالف)^۱ و هدف (تمامیت)^۲ است. شکل (۱)

شکل ۱: اصول و مولفه‌های جنبش‌های اجتماعی از منظر تورن



بر اساس مؤلفه هویت، یک جنبش ابتدا باید دارای هویت باشد یعنی مشخص باشد که معرف چه کسانی است؟ مدافع و محافظ چه منافع است؟ کنشگر نیز هویت خود را با ارزشها تعریف می‌کند. بر اساس مؤلفه رقیب، جنبش باید مشخص کند که در برابر چه مانع و یا نیرویی قرار دارد و حریف او کیست؟ مؤلفه هدف، بیانگر زمینه مشترک (کلیت) پیرامون ارزش‌های برتر، ایده‌های بزرگ و حقایق جهانی است. تورن معتقد است که زمینه مشترکی که هدف جنبش‌های اجتماعی کنترل آن می‌باشد عبارت است از جهت‌گیری‌ها، گرایشها و یا الگوهای عمده فرهنگی (Touraine, 1985:760).

در میان جنبش‌های نوین اجتماعی فوروم اجتماعی جهانی یک جنبش اجتماعی نوین است که در دهه‌های اخیر مورد توجه اندیشمندان هم چون تورن، کاستلز، والرشتاین، ساویو، پلیرز، چسترز، ولش و... قرار گرفته است. این جنبش را می‌توان به بهترین شکل به عنوان یک جنبش شبکه‌ای، با گره‌ها و خوشه‌های مهمی متشکل از جنبش‌های اجتماعی، سازمانهای جنبش اجتماعی، گروه‌ها و افراد توصیف کرد که در یک فضای چند بعدی و با تجلیات مادی و مجازی رشد می‌یابد. (چسترز و ولش، ۱۳۹۴: ۴۴). با توجه به مبانی نظری فوق برای بررسی این جنبش می‌بایست به سه مؤلفه هویت، هدف و رقیب در این جنبش توجه نمود. بدین منظور، این مقاله ابتدا با استفاده از تکنیک مقوله‌بندی و کدگذاری به استخراج سه مؤلفه جنبش‌ساز

«انقلاب اسلامی» و جنبش «فوروم اجتماعی جهانی» پرداخته و سپس به انطباق و سنجش تناسب مولفه‌های آنها با یکدیگر می‌پردازد.

مولفه‌های جنبشی انقلاب اسلامی و فوروم اجتماعی جهانی

برای بررسی نسبت انقلاب اسلامی و جنبش فوروم اجتماعی جهانی در عرصه جهانی ابتدا لازم است که مولفه‌های جنبشی آنها جداگانه استخراج شوند و سپس این مولفه‌ها با یکدیگر مورد مقایسه و نسبت‌سنجی قرار گیرند.

شکل‌گیری و نقاط ضعف و قوت فوروم اجتماعی جهانی

فوروم اجتماعی جهانی در مجموعه‌ی بزرگتر «جنبش جهانی شدن دیگر» قرار دارد. جنبش‌های جهانی شدن دیگر یا بدیل (AGM)^۱ به خاطر ظرفیت‌شان در انجام اعتراضات عظیم و مداخله طی مجمع‌های مدیریت جهانی و سازمانهای مالی (سازمان تجارت جهانی/ بنیاد بین‌المللی پول/ بانک جهانی/G8) در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ برجسته شدند. این ظرفیت نتیجه‌ای از فرایند شبکه‌سازی بود که مدتها پیش از رواج عمومی AGM در رویدادهای سال ۱۹۹۹، همچون کارناوال ضدسرمایه‌داری ۱۸ ژوئن در لندن یا اعتراضات مردمی در لغو مجامع سازمان تجارت جهانی در سیاتل در اواخر نوامبر و اوایل دسامبر همان سال، جریان داشت. این اعتراضات نخستین جنبش‌هایی بود که آشکارا پیوندی میان جنبش‌های شمالی و واکنش علیه جهانی‌سازی نولیبرال برقرار می‌کرد و پیش از این نیز در جنبش‌های جنوبی جهان و یا مقاومت در برابر سیاستهای تنظیم‌ساختاری و توافق‌های تجارت آزاد در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ جلوه یافته بود. (چسترز و ولش، ۱۳۹۴: ۴۳)

این جنبش، جهانی و متناسب با زمینه‌های اقتصادی هر کشور و منطقه است (Pleyers, 2011). اولین فوروم این جنبش در ژانویه ۲۰۰۱ با حضور نمایندگانی از بیش از ۱۰۰ کشور از نقاط مختلف جهان در شهر «پورتو الگره» برزیل با شعار آیا «جهانی دیگر ممکن است»، توسط سازمان‌ها و جنبش‌های اجتماعی به منظور مخالفت با نولیبرالیسم که توسط «مجمع جهانی اقتصاد» نمایندگی می‌شود برگزار شد لذا اغلب گفته می‌شود که

فروزم اجتماعی جهانی یک «آنتی داوس» است. شرکت کنندگان در این فروزم در مورد راههای مقابله با دیکتاتوری نظام مالی، امپریالیسم شرکت‌های فراملی، ظلم رژیمهای استبدادی، بردگی توسط رسانه‌ها، فرهنگ مردسالاری، نژادپرستی و همچنین درباره پیشنهادها و جایگزین برای ایجاد جوامع عادلانه‌تر و مستقل‌تر، دسترسی به دانش و فن‌آوری و حمایت از منابع این سیاره بحث کردند. فروزم اجتماعی جهانی در سال ۲۰۰۶ الگوی «فروزم‌های چند مرکزی» را به خوبی محقق کرد و سه فروزم کوچک‌تر به صورت همزمان در آفریقا (باماگو)، آمریکا (کاراکاس) و آسیا (کراچی) تشکیل داد و باعث شد تا صدها سازمان برای نخستین بار یکدیگر را شناخته و با یکدیگر به تعامل پردازند (ساویو ۱۳۸۵).

این جنبش دارای نقاط قوت و ضعف است. از جمله نقاط قوت آن جذب فعالان بسیار برای مشارکت در کارگاه‌ها و سمینارها (چسترز و ولش ۱۳۹۴: ۲۰۶)، تنوع اجتماعی - اتحادیه کارگری، گروه‌های زیست بومی، جنسی و اخلاقی چهره‌های سیاسی، روشنفکری و فرهنگی توانایی برای آفریدن یک فضای اعتماد جهانی (sader 2002)، حفظ توانایی برای دور نگه داشتن افرادی که در ماده ۹ اساسنامه آن ذکر شده می‌باشد (چسترز و ولش ۱۳۹۴: ۲۰۶). کاستی‌های آن نیز عبارتند از: بسیج توده‌ای و ناتوانی در تبدیل آن به قدرت سیاسی - چه در سطح دولت‌ها و پارلمان‌ها - به طوری که بتواند سیاست‌های نئولیبرالی حاکم را به طور مؤثر و توکنند یا به شکل‌های عملی مبتکرانه دیگری روی آورد. در حوزه اقتصاد نیز جنبش فاقد استراتژی برای تبدیل سرخوردگی و بی‌اعتمادی روبه افزایش نسبت به جزم‌های نئولیبرالی به مشی سیاسی بدیل یا دست کم داشتن پروژه‌ای جهت مهار گردش مخاطره‌آمیز سرمایه و نشان دادن شکل‌های جدید تجارت بین‌المللی است (sader 2002).

برخی ابهامات نیز در مورد این جنبش وجود دارند که مسیر آن را دچار چالش می‌نماید: این که «دنیای دیگری» که وعده داده می‌شود چگونه تحقق می‌یابد؟ نقش گرایش‌های رفرمیستی درون جنبش به ویژه سازمان‌های غیردولتی که از حمایت‌های مالی دولت‌ها و نهادهای سرمایه‌داری برخوردارند

چه می‌باشد؟ رابطه متقابل جنبش «ضد جهانی شدن لیبرالی» با جنبش «ضد جنگ» چیست؟ آیا این دو جنبش در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند یا این که از هم جدایی ناپذیرند؟ (ناصر، بی‌تا) ابهام دیگر که در منشور این فوروم وجود دارد تاکید آن بر غیرخشونت‌آمیز بودن آن است بدون اینکه خشونت را تعریف کند. برخی نیز نگران تبدیل شدن آن به یک «کنفرانس دائمی»، یا تسخیر آن به «دست مردان بزرگ» سیاست آمریکای لاتین هستند (چسترز و ولش ۱۳۹۴: ۲۰۶).

مولفه‌های فوروم اجتماعی جهانی

از میان مهم‌ترین جنبش‌هایی که به دنبال جهانی شدن دیگر یا جهانی‌سازی از پایین^۱ هستند می‌توان به «فوروم اجتماعی جهانی» (WSF) و «کنش جهانی مردم» (PGA)^۲ اشاره کرد. فوروم اجتماعی جهانی دامنه گسترده‌ای از تقاضاها حول محور مخالفت با جهانی شدن که نقطه اتصال آنها درخواست بدیلی برای جهانی شدن و ادغام مقاومتهای محلی در درون یک جنبش جهانی در مخالفت با سرمایه‌داری جهانی و در مخالفت با قدرت امریکایی می‌باشد را گرد هم آورده است. موفقیت فوروم اجتماعی جهانی در پورتو آگره ریشه در این داشت که می‌کوشید جنبش‌های اجتماعی و نظرات مختلفی را دور هم جمع کند که می‌خواستند به تظاهرات سیاتل، گوتنبرگ، جنوا و بسیاری از شهرهای دیگر معنای مثبتی دهند. بنابراین جنبشی شکل گرفته است که به همان میزان که قدرتمند است متنوع است و مهم‌ترین رهبران اقتصاد جهانی را به چالش می‌طلبد (Touraine 2007: 35).

تعدد و کثرت، ساختار شبکه‌ای و رابطه این جنبش با مسأله قدرت دلایلی هستند که به منظور اثبات جدید بودن این جنبش ارائه می‌شود. نکته حائز اهمیت درباره این فوروم آن است که فرصتی ایجاد کرده که برخی جنبش‌های اجتماعی صدای خود را قابل شنیدن کنند، با هم کار کنند، هم دیگر را بشناسند و اعتمادی متقابل بین آنها ایجاد گردد. اکنون موجی از همدلی با

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع شود به: بریچر، کاستلو و اسمیت (۱۳۹۲)

«داودهای» زمان در جنگ با «جالوت‌های» سرمایه‌داری ایجاد شده و اگر جنبش ضدجهانی شدن خود را غسل تعمید داده و هویت خود را به جنبشی برای جهانی شدن دیگر تغییر داده دقیقاً به این دلیل است که می‌خواهد نشان دهد مخالف تجارت و تولید در سطح جهانی نیست. بلکه برای ایجاد جهانی‌شدنی متفاوت مبارزه می‌کند، جهانی‌شدنی که بر شانه‌های افراد ضعیف، منافع محلی، اقلیت‌ها و محیط زیست سوار نشده باشد تا بخواهد از این طریق منافع انحصاری برای کسانی که دیری است صاحبان ثروت، قدرت و نفوذ هستند به ارمغان بیاورد (Touraine 2007: 35).

تورن معتقد است که اکنون جنبش جهانی‌شدن دیگر همان جایگاه مهمی را اشغال کرده است که سوسیالیسم در اوایل دهه‌های صنعتی شدن در جامعه صنعتی اشغال کرده بود. هم سوسیالیسم و هم جنبش جهانی‌شدنی دیگر علیه سوگیری سرمایه‌دارانه اقتصاد و جامعه مبارزه می‌کنند (Touraine 2007: 36). کاستلز نیز برای جنبش جهانی‌شدن دیگر اهمیت بسیار زیادی قائل است. به نظر او این جنبش، جهانی‌شدن را می‌پذیرد اما هدفش تغییر دادن این جهان از طریق تاثیرگذاری بر افکار عمومی در سراسر جهان است (کاستلز ۱۳۸۴: ۱۷۱). به نظر والرشتاین این فوروم همواره پهنه‌ی گسترده و فراگیری از فعالانی متنوع و زمینه‌ای برای آموزش دوجانبه‌ی گرایش‌های مختلف و حوزه‌های گوناگون بر سر مسائل کلیدی است: آموزشی متقابل که در میان مدت به کنش مشترک برای دگرگون ساختن سیستم موجود سرمایه‌داری می‌انجامد (والرشتاین، ۲۰۱۳).

این فوروم هم در تنوع (در گردآوری نه فقط احزاب و جریانات سیاسی، بلکه جنبش‌های اجتماعی، سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های حقوق مدنی، اتحادیه‌ها) و هم در ماهیت غیرحکومتی و بی‌طرف خود بی‌سابقه است و پیشنهادهایی در خصوص تنظیم بدیل‌های جهانی در رویکرد به عملکردهای جاری سرمایه‌داری ارائه می‌دهد و استراتژی‌هایی جهت اجرای این بدیل‌ها عرضه می‌کند. این فوروم فضایی را فراهم می‌سازد که مبارزه علیه نئولیبرالیسم از قید محدودیت‌های تقابل جهانی‌شدن با دولت‌های ملی رها می‌شود. در تقابل جهانی‌شدن و دولت‌های ملی مخالفین نئولیبرالیسم تلاش می‌کنند

مبارزه را در سطح دولت محدود نگهدارند. حال آنکه، باور به اینکه بدیل‌های نئولیبرالیسم لازم است از محدوده دولت ملی فراتر رفته و بنابراین در سطحی بین‌المللی عمل شود برای این جنبش جنبه اساسی دارد (sader 2002) و در این عرصه است که در ابداع شهروندی جهانی نقش آفرینی می‌کند و یا به عبارتی دیگر جنبش جهانی شدن دیگر درک ما را از خود به عنوان شهروندان جهانی تغییر می‌دهد (Pleyers 2011).

طرفداران این جنبش معتقدند که جهانی‌شدن نئولیبرالی منازعات قبیله‌ای و قومی، توسعه طلبی‌های جنگ افروزان، بنیادگرایی‌های مذهبی سخت‌گیر و بی‌تسامح و ضدیت با خارجی را تولید و بازتولید می‌کند و اینها ناشی از بحران هویت و روی دیگر سکه جهانی‌شدن امپریالیستی هستند. اما تمدنی که طرفداران فوروم رویای آن را در سر می‌پرورانند، «جهانی دیگر» است: «دنیايي که در آن دنیاهای دیگری جای دارند. تمدنی جهانی برخاسته از همبستگی و تنوع». از منظر طرفداران این جنبش در برابر همگن‌سازی سوداگرایانه و کمی جهان و در برابر جهان‌شمولی دروغین سرمایه‌دارانه امروز بیش از هر زمان دیگری مهم است که مجدداً بر ثروتی تاکید ورزیم که تنوع فرهنگی تجسم آن است. (لووی و بتو ۲۰۰۲) اصول و مبانی WSF به منظور خلق آلترا تپوهایی برای جهانی‌سازی نئولیبرالی طراحی شده و تمام افراد و سازمان‌ها را ضمن خواست «جهانی دیگر» به شناخت بیش‌تر یکدیگر دعوت می‌کند (ساویو ۱۳۸۵).

در مجمع‌های این جنبش فعالین محیط زیست، سندیکالیست‌ها، سازمان‌های غیردولتی، چپ افراطی، فعالین کلیساها گردهم می‌آیند تا اشکال مبارزه علیه نئولیبرالیسم، علیه سرمایه‌داری و امپریالیسم را مورد بحث قرار داده و سازماندهی کنند و حول اشکال مختلف بدیل به گفتگو پردازند. برای شناخت بیشتر مولفه‌های این فوروم، سند اصول این جنبش^۱ کد گذاری

۱. سند مربوط به اصول جنبش در نهم آوریل ۲۰۰۱ در سانوپولو به وسیله نهادهایی که کمیته سازمان‌دهی فوروم اجتماعی جهانی را تشکیل می‌دهند. تصویب و با تغییراتی به وسیله شورای بین‌المللی فوروم جهانی در ۱۰ ژوئن ۲۰۰۱ مورد تأیید قرار گرفته است. نسخه انگلیسی این اصول در این آدرس قابل دسترسی است. http://ciranda.net/World-Social-Forum-Charter-of?lang=pt_

و مقوله‌بندی شده و هویت، اهداف و رقبایی که این جنبش برای خود ترسیم کرده استخراج شد. با توجه به اصول فوق موارد مرتبط با هویت، هدف و رقبایی که جنبش جهانی شدن دیگر برای خود ترسیم نموده است را می‌توان در جدول زیر (۱) خلاصه نمود:

جدول ۱: موارد مرتبط با مولفه‌های فوروم اجتماعی جهانی

موارد مرتبط با مولفه رقیب	موارد مرتبط با مولفه هدف	موارد مرتبط با مولفه هویت
نولیبرالیسم و سلطه جهانی توسط سرمایه و هر نوع امپریالیسم	تفکر بازانديشانه، بحث دموکراتیک آینده، تدوین پیشنهادات، تبادل آزاد تجربیات و درهم‌تنیدگی برای کنش مؤثر، توسط گروه‌ها و جنبش‌های جامعه مدنی	یک فضای ملاقات آزاد
همه دیدگاه‌های نوتالینتر و تقلیل‌گرا در اقتصاد، توسعه و تاریخ و استفاده از خشونت به عنوان وسیله‌ای برای کنترل اجتماعی توسط دولت	جامعه‌ای سیاره‌ای (جهانی) که به سمت روابط مفید میان بشریت و بین بشریت و زمین سوق دهد	فرآیند دائمی
روند غیر انسانی‌سازی جهان	جستجو و ایجاد گزینه‌های دیگر	مجمعی کثرت‌گرا، غیر دولتی و غیر حزبی با سبکی غیر متمرکز
	ارزش دادن به جهانی شدن همیشه در مرحله نوین تاریخ بشری بر پایه حقوق جهاتشمول بشریت، شهروندان همه‌ملیت‌ها، رعایت محیط زیست	مجمعی گشوده برای کثرت‌گرایی و کشتگران متنوع با تنوع جنسیتی، نژادها، فرهنگ‌ها، نسل‌ها و ظرفیت‌های فیزیکی
	تشویق نهادها و نظام‌های دموکراتیک جهانی در خدمت عدالت اجتماعی، برابری و حاکمیت مردم	مجمع گفتگو
	گرد هم آوردن سازمان‌ها و جنبش‌های جامعه مدنی از همه کشورهای جهان	جنبش از ایده‌ها
	همیشه کردن سازمانها و جنبشهایی که به شکل‌دهی به جهانی دیگر متعهد هستند و در سطح محلی و بین‌المللی کنش می‌کنند	چارچوبی برای تبادل تجارب
	کثرت‌گرایی	
	دروک و شناخت متقابل بین سازمان‌ها و جنبش‌های شرکت‌کننده	
	ساختن جامعه که فعالیت اقتصادی و سیاسی‌اش بر محور نیازهای انسانی و حفظ طبیعت و منافع نسل‌های آینده باشد	
	تقویت و ایجاد پیوندهای جدید ملی و بین‌المللی در بین سازمان‌ها و جنبش‌های اجتماعی	
	مقاومت اجتماعی غیر خشونت‌آمیز در برابر روند غیر انسانی‌سازی جهان	
تقویت اقدامات انسانی ناشی از کنش این جنبش‌ها و سازمان‌ها		

با توجه به جدول فوق می‌توان مولفه‌های سه گانه فوروم اجتماعی جهانی را به صورت ذیل ارائه نمود:

جدول ۲: مولفه‌های فوروم اجتماعی جهانی

هویت	هدف	رقیب
فضای گفتگوی آزاد برای مقاومت	جهانی‌شدن همبسته بر پایه حقوق جهانشمول بشریت، نیازهای انسانی و حفظ طبیعت	نئولیبرالیسم، سلطه جهانی سرمایه و هر نوع امپریالیسم غیر انسانی‌کننده جهان

مولفه‌های جنبش‌ساز انقلاب اسلامی در عرصه جهانی

برای استخراج مولفه‌های جنبش‌ساز انقلاب اسلامی در عرصه جهانی، در این تحقیق سه حوزه به طور مفصل مورد بررسی قرار گرفته، کدگذاری و مقوله‌بندی شده‌اند: اندیشه‌های رهبر انقلاب (امام خمینی)، شعارهای برهه انقلابی و قانون اساسی منبعث از انقلاب. لازم به ذکر است که علاوه بر موارد فوق می‌توان به نظرات متفکران مؤثر در شکل‌گیری انقلاب اسلامی و اسناد بالادستی مربوطه را نیز در تبیین بیشتر مولفه‌های انقلاب اسلامی مورد توجه قرار داد با این وجود با توجه به محدودیت‌های تحقیق در این مقاله صرفاً به شعارهای انقلاب اسلامی، نظرات بنیانگذار انقلاب اسلامی و قانون اساسی منبعث از انقلاب اسلامی توجه شده است. با توجه به محدودیت‌های مقاله در اینجا صرفاً نتایج این بررسی در قالب جدول زیر ارائه شده و به اختصار به توضیح آنها پرداخته می‌شود.

جدول ۳: جدول نهایی مقوله‌بندی هویت، اهداف و رقیبای انقلاب اسلامی در عرصه جهانی

مقوله	مفاهیم	جمع‌بندی
هویت	انسانی، اسلامی، مکتبی، ابتدای بر پیوند امت و امامت	انسانی - اسلامی (فطری)
اهداف جهانی	عدالت، حمایت از مستضعفین جهان، حمایت از مظلومان جهان، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش، حمایت از جنبش‌های مردمی و اسلامی، صدور اسلام و انقلاب، زمینه‌سازی حکومت جهانی مهدوی، حکومت جهانی مستضعفین	تغییر در مناسبات فردی و اجتماعی در عرصه جهانی بر پایه عدالت
رقیبای جهانی	طاغوت، مستکبران، جهان‌خواران بین‌المللی، امپریالیسم جهانی، سرمایه‌داری جهانی، صهیونیسم، بلوک شرق و غرب (آمریکا، انگلیس، شوروی، اسرائیل)	طاغوت، مستکبران، امپریالیسم، نظام سلطه و سرمایه‌داری جهانی

الف. هویت جهانی انقلاب اسلامی

با توجه به هویتی که برای انقلاب اسلامی به دست آمده است می توان گفت که این انقلاب: انسانی (فطری)^۱، اسلامی و مکتبی^۲ است.^۳ مکتبی بودن این انقلاب را می توان ناظر به هویت شیعی که ترسیم کننده هویت این انقلاب در جهان تشیع است و اسلامی بودن این انقلاب را ترسیم گر هویت این انقلاب در عرصه جهان اسلام و سایر موحدان دانست. در این میان انسانی بودن این انقلاب را می توان ترسیم گر هویت جهانی این انقلاب و ناظر به تمام انسانهایی دانست که در جهان زندگی می کنند. این دسته بندی سه گانه با دسته بندی سه ساحتی اسلام در سه عرصه: محلی، منطقه ای و جهانی سازگار است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۳). بر این اساس می توان اهداف و رقبای انقلاب اسلامی ایران را نیز در عرصه های شیعیان، مسلمانان و موحدان و عرصه انسانها در سطح جهانی مورد توجه و بررسی قرار داد. لازم به ذکر است که در این تحقیق هویت، اهداف و رقبای جهانی انقلاب مورد توجه هستند.

ب. اهداف جهانی انقلاب اسلامی

اهداف جهانی انقلاب اسلامی ایران را نیز می توان متأثر از هویت انسانی و اسلامی این انقلاب دانست. با توجه به کدگذاری و مقوله بندی صورت گرفته در مجموع می توان اهداف زیر را اهداف انقلاب ایران در عرصه جهانی دانست: تحقق عدالت، حمایت از مستضعفین جهان، حمایت از مظلومان جهان، حمایت از جنبشهای مردمی و اسلامی، حمایت از جنبشهای آزادی بخش، صدور اسلام و انقلاب، زمینه سازی حکومت جهانی مهدوی و حکومت جهانی مستضعفین.^۴ همانطور که ملاحظه می شود اهدافی مثل

۱. رجوع شود به صحیفه امام خمینی: ج ۶، ص: ۱۳۰، ج ۹، ص: ۴۰۲، ج ۴، ص: ۱۲۲.
 ۲. رجوع شود به مقدمه قانون اساسی و همچنین صحیفه امام خمینی: ج ۸، ص: ۴۰، ج ۴، ص: ۳۵.
 ۳. برای مطالعه شعارهای انقلاب اسلامی در این زمینه رجوع شود به: (ناصر خاکی، ۱۳۹۹: ۹۱-۱۰۳)
 ۴. برای مطالعه شعارهای انقلاب اسلامی در این زمینه رجوع شود به: (ناصر خاکی، ۱۳۹۹: ۱۰۳-۱۰۵)
- برای مطالعه موارد مربوط به قانون اساسی در این زمینه رجوع شود به: مقدمه، اصل ۳، اصل ۱۱، اصل ۱۴، اصل ۱۵۲ و اصل ۱۵۴ قانون اساسی.
- برای مطالعه نظرات امام خمینی در این زمینه به عنوان مثال رجوع شود به صحیفه امام خمینی: ج ۹، ص: ۳۱۰، ج ۲، ص: ۲۵۵، ج ۱۲، ص: ۱۴۷، ج ۱۲، ص: ۲۰۳، ج ۳، ص: ۴۸۱، ج ۱۳، ص: ۴۸۶، ج ۷، ص: ۲۹۲، ج ۱۲، ص: ۱۶۶، ج ۱۳، ص: ۹۳، ج ۷، ص: ۴۸۰، ج ۲۱، ص: ۸۹، ج ۲، ص: ۲۴۵، ج ۷، ص: ۲۴۸، ج ۵، ص: ۴۱۷، ج ۲۰، ص: ۳۱۹، ج ۱۶، ص: ۱۳۱، ج ۱۲، ص: ۱۳۸، ج ۱۲، ص: ۲۶۱، ج ۱۲، ص: ۲۳۰.

تحقق عدالت، حمایت از مستضعفین و مظلومان کاملاً با هویت انسانی انقلاب ایران منطبق بوده و اهدافی مبتنی بر فطرت مشترک بشری هستند. در این میان مفاهیمی چون صدور اسلام و زمینه‌سازی حکومت مهدوی و حمایت از جنبش‌های اسلامی بیشتر مبتنی بر اهداف درون دینی انقلاب هستند.

به نظر می‌رسد که اهداف درون دینی انقلاب در عرصه جهانی را می‌بایست مبتنی بر «جهان شمولی اسلام» و «اصل دعوت» (شکوری ۱۳۶۱: ۳۵۸) مورد بررسی قرار داد و این اصل را مبنای دینی مفهوم «صدور انقلاب» و حتی جنبش‌سازی در عرصه جهانی و تبلیغ جهانی اسلام دانست. در این میان مفاهیم همچون استضعاف هر چند مفاهیمی درون دینی هستند اما دارای دامنه‌ای جهانی و مبتنی بر فطرت مشترک انسانی هستند. مفاهیم مبارزه با جهانخواران، حمایت از مظلومان و تحقق عدالت در عرصه جهانی نیز مفاهیمی هستند که هم‌اکنون از سوی برخی از جنبش‌های نوین اجتماعی در سطح بین‌المللی و در قالب مفاهیمی همچون مبارزه با «جهانی‌سازی» پی‌گیری می‌شوند.

ج. رقبای جهانی انقلاب اسلامی

با توجه به جدول جمع‌بندی مقولات مربوط به مولفه‌های انقلاب اسلامی می‌توان رقبای انقلاب اسلامی در عرصه جهانی را چنین برشمرد: طاغوت، مستکبران، جهانخواران بین‌المللی، امپریالیسم جهانی، سرمایه‌داری جهانی، صهیونیسم، بلوک شرق و غرب (آمریکا، شوروی، انگلیس، اسرائیل). از میان این رقبای مبارزه با جهانخواران بین‌المللی، امپریالیسم جهانی، سرمایه‌داری جهانی در قالب مبارزه با سرمایه‌داری و جهانی‌سازی هم‌اکنون از سوی جنبش‌های نوین اجتماعی پی‌گیری می‌شود. در این میان شعار «نه شرقی و نه غربی» که مبین عدم وابستگی و مبارزه با دو قطب سلطه‌گر است را هم می‌توان در همین چارچوب دید.^۱ در این میان طاغوت، استکبار و مستکبرین

۱. برای مطالعه موارد مربوط به قانون اساسی در این زمینه رجوع شود به: مقدمه، اصل ۳، اصل ۱۵۲، اصل ۱۵۳

برای مطالعه شعارهای انقلاب اسلامی در این زمینه رجوع شود به: (ناصرخاکی ۱۳۹۹: ۱۰۷-۱۰۵)

برای مطالعه نظرات امام خمینی در این زمینه به عنوان مثال رجوع شود به صحیفه امام خمینی: ج ۱۵، ص: ۳۴۹.

به عنوان رقیبی که انقلاب اسلامی به دنبال مخالفت با آن در عرصه جهانی هست مفهومی درون دینی بوده اما دارای دامنه و مقبولیت جهانی است و با مفاهیم مقابله با نظام سرمایه‌داری، امپریالیسم و جهانی‌سازی همپوشانی دارد. اما با این وجود باید توجه داشت که مفاهیم طاغوت و استکبار فراتر از امپریالیسم و یا نظام سلطه جهانی است.

تحلیل نسبت فوروم اجتماعی جهانی و انقلاب اسلامی در عرصه جهانی مبتنی بر مولفه‌ها برای تحلیل نسبت جنبش فوروم اجتماعی جهانی با انقلاب اسلامی در عرصه جهانی می‌بایست به تحلیل نسبت مولفه‌های این دو با یکدیگر پرداخت. بدین منظور در جدول زیر مولفه‌های سه گانه این دو در کنار هم قرار داده شده‌اند.

جدول ۴: مقایسه مولفه‌های جنبشی انقلاب اسلامی و جنبش فوروم اجتماعی جهانی

رقیب	هدف	هویت	
طاغوت، مستکبران، امپریالیسم، نظام سلطه و سرمایه‌داری جهانی	تغییر در مناسبات فردی و اجتماعی در عرصه جهانی بر پایه عدالت	انسانی- اسلامی (فطری)	انقلاب اسلامی
نئولیبرالیسم، سلطه جهانی سرمایه و هر نوع امپریالیسم غیر انسانی‌کننده جهان	جهانی‌شدن همبسته بر پایه حقوق جهانشمول بشریت، نیازهای انسانی و حفظ طبیعت	فضای گفتگوی آزاد برای مقاومت	فوروم اجتماعی جهانی

الف. نسبت جنبش فوروم اجتماعی جهانی با انقلاب اسلامی از نظر مؤلفه هویت

برای بررسی نسبت هویت انسانی - اسلامی (فطری) انقلاب اسلامی ایران با هویت فوروم اجتماعی جهانی ابتدا لازم است هویت انسانی انقلاب اسلامی تبیین شود. انسانی بودن هویت انقلاب ایران مفهومی است که توسط رهبر انقلاب مطرح و برجسته شده است لذا پیش از هر چیزی لازم است نگاهی دوباره به این مفهوم در اندیشه امام خمینی بی‌اندازیم. ایشان در چند مورد به این مفهوم اشاره کرده‌اند که مهمترین آنها عبارتند از:

۱۲، ص: ۲۰۲، ج: ۷، ص: ۶، ج: ۱۲، ص: ۲۰۲، ج: ۱۲، ص: ۱۴۷، ج: ۲۰، ص: ۳۱۹، ج: ۳، ص: ۴۷۲، ج: ۳، ص: ۴۸۱، ج: ۷، ص: ۲۹۲، ج: ۱۳، ص: ۹۳، ج: ۱۶، ص: ۴۲، ج: ۷۶، ص: ۴۸۰، ج: ۱۲، ص: ۲۳۰، ج: ۱۲، ص: ۲۳۱، ج: ۱۲، ص: ۲۶۱، ج: ۱۵، ص: ۳۴۹، ج: ۳، ص: ۴۷۷.

«نهضت رسول اکرم نهضت انسانی بود، نهضت الهی بود؛ مثل قدرتهای دیگر نبود که شیطانی است [و] برای منافع شخصی یا برای دولرداری قیام کردند و آدمکشی می‌کنند. خیر، یک قدرت الهی دنبال این بود.» (ج ۶، ص: ۲۳۴)

«بحمدالله این انقلابی که در ایران پیدا شد که من این انقلاب را خیلی به آن خوشبین هستم. نه از این باب که محمدرضا را شکست داد؛ این هم زیاد بود؛ خیلی عظیم بود؛ و نه از این باب که غرب و شرق را شکست داد؛ از این باب که یک انقلاب انسانی پیدا شد؛ خودشان را شناختند.» (ج ۹، ص: ۴۰۲)

«نهضتی که در ایران است، یک نهضت انسانی است، که همان نهضت اسلامی است؛ نهضتی اسلامی - انسانی است.» (ج ۴، ص ۱۲۲)

به نظر ایشان همین انسانی‌بودن انقلاب باعث شده است که دامنه آن خیلی سریع گسترش یافته و با کم‌ترین هزینه نیز به پیروزی برسد:

«این ثوره چون اسلامی بود و انسانی، مثل برق در تمام اقطار ایران، از آن دهکده‌های دورافتاده تا مرکز سرایت کرد و [به] همه اقشار ایران [رسید] و به واسطه همین وحدت کلمه بود که نتوانست این قوای شیطانی مقاومت کند، و سنگر را یکی پس از دیگری تحویل داد.» (ج ۶، ص: ۱۷۸)

با توجه به بیانات فوق به نظر می‌رسد که انسانی‌بودن هویت انقلاب ایران را باید بدین معنی دانست که انقلاب ایران مبتنی بر فطرت انسانی شکل گرفته و چون این فطرت انسانی بین تمام انسانها مشترک است به سرعت گسترش یافته و با کم‌ترین ضایعات نیز به پیروزی رسیده است لذا انسانی‌بودن هویت این انقلاب را می‌توان به معنی فطری‌بودن هویت این انقلاب دانست. نکته حائز اهمیت در فهم تأثیر فطرت در انقلاب و جنبش‌های اجتماعی توجه به رابطه فرد و جامعه است. با پذیرش این امر که «مسیر انسان را یک مقدر همان فطرت اولیه خود انسان تعیین می‌کند و یک مقدر جامعه» (مطهری ۱۳۷۴: ۱۵۸)

تحقق پدیده‌های اجتماعی و مدخلیت علی کنشگر در آنها، تنها به غرایز حیوانی انسان باز نمی‌گردد، بلکه می‌تواند ریشه در فطریات انسانی کنشگر

داشته و از جاذبه‌های معنوی نهفته در سرشت او برخیزد چراکه «انقلاب‌ها صرفاً خصلت اجتماعی محض ندارند، بلکه در سرشت انسان ریشه دارند» (مطهری ۱۳۸۵: ۲۳). بر همین اساس انقلاب اسلامی، نهضتی انسانی و یا به عبارتی دیگر یک نهضت فطری از تیپ نهضت پیامبران و برخاسته از خودآگاهی یا خداآگاهی است چراکه «یک نهضت اسلامی، نهضت انسان‌گرا به معنی واقعی کلمه است، چون نهضتی است که از فطرت انسان ناشی می‌شود» (مطهری ۱۳۸۷: ۳۲).

از سویی دیگر فروم اجتماعی جهانی به عنوان یک فضای گفتگوی آزاد برای مقاومت در برابر امپریالیسم و نئولیبرالیسم شناخته می‌شود. این جنبش یک فضای متکثر، غیردولتی و غیرحزبی با سبکی غیر متمرکز و کنشگرانی با تنوع جنسیتی، نژادها، فرهنگ‌ها، نسل‌ها و ظرفیت‌های فیزیکی متفاوت است تا برای مقاومت در برابر امپریالیسم و نئولیبرالیسم ایده‌پردازی نموده و به تبادل تجارب بپردازند. همانطور که واضح است این هویت بیانگر آن است که این جنبش هویت خود را در یک هویت مدرن و در یک عرصه محدود (فضایی برای گفتگوی آزاد برای مقاومت) تعریف نموده است.

از آنجا که هویت انقلاب اسلامی معطوف به یک سطح کلان و به عنوان یک جریان انسانی - اسلامی (فطری) قابل طرح است لذا از نظر سطح، هویت انقلاب اسلامی فراتر از هویت فروم اجتماعی جهانی است. سوالی که در اینجا قابل طرح است این است که آیا در بطن هویت انسانی - اسلامی انقلاب ایران می‌توان ارتباطی بین هویت فروم اجتماعی جهانی و انقلاب اسلامی برقرار نمود؟ به عبارتی دیگر آیا هویت انسانی اسلامی انقلاب ایران تشکیل مجمعی با ویژگی‌های فروم اجتماعی جهانی را بر می‌تابد؟ و یا به عبارتی دیگر آیا مبتنی بر هویت انقلاب ایران می‌توان برای شکل‌دهی به مقاومت جهانی علیه امپریالیسم و نئولیبرالیسم فروم اجتماعی جهانی تشکیل داد؟

آیا این فروم ویژگی‌های متمایزی از فروم اجتماع جهانی موجود دارد؟ به نظر می‌رسد می‌توان مبتنی بر هویت انسانی - اسلامی انقلاب اسلامی، به

دنبال جهانی‌شدنی دیگر بود و می‌توان فوروم اجتماعی جهانی تشکیل داد چرا که این هویت به صورت بالقوه دارای زمینه پذیرش و جذب مخاطب در عرصه جهانی است و از سویی دیگر در اسلام بر گفتگوی با دیگران و دعوت به آرمان‌های اسلامی (در اینجا مقابله با طاغوت، استکبار و امپریالیسم را باید جزو آرمان‌های اسلامی متصور شد) تاکید شده و این مفهوم در اندیشه اسلامی به عنوان «اصل دعوت» مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس می‌توان تصور نمود که از بطن هویت انسانی- اسلامی انقلاب ایران چندین نهاد جهانی برای شکل دهی به فضای مقاومت جهانی در برابر انواع سلطه و استکبار جهانی (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی) تشکیل گردد.

لذا مبتنی بر هویت اسلامی انقلاب ایران نیز می‌توان یک فوروم اجتماعی جهانی تشکیل داد که در آن به بحث آزاد برای حل مسائل مشترک بشریت پرداخته شود و از آنجا که یکی از این مسائل مشترک بشری وجود نظام سلطه جهانی و سرمایه‌داری افسار گسیخته است لذا می‌توان بحث و تبادل آرا پیرامون این موضوع را نیز مورد توجه قرار داد. بنابراین می‌توان گفت که از لحاظ نظری تشکیل چنین فوروم‌هایی با هویت انسانی- اسلامی انقلاب ایران همخوانی دارد. حال که چنین فورومی هر چند با هویتی متفاوت با فوروم مدنظر انقلاب ایران وجود دارد نباید از ظرفیت آن بهره برد؟

از آنجا که هویت انسانی اسلامی انقلاب تضادی با هویت جنبش‌های جهانی‌شدن دیگر به طور عام و فوروم اجتماعی جهانی ندارد (هر چند تفاوت دارد) به نظر می‌رسد تا زمانی که ظرفیت بالقوه انقلاب ایران در تشکیل چنین مجامعی به حالت بالفعل درآید ضروری است که از ظرفیت چنین فوروم‌هایی برای تقویت جبهه مقاومت علیه استکبار و نظام سلطه جهانی استفاده شود. طرفداران انقلاب ایران می‌توانند در قالب مجامع غیر دولتی و نهادهای مدنی به بیان نظرات، ایده‌ها و تجارب خود در نشست‌های مختلف این فوروم بپردازند.^۱

۱. بعضاً طرفداران انقلاب ایران در این فوروم حضور داشته‌اند. از نمونه‌های این حضور می‌توان به حضور نمایندگانی از «انجمن بین‌المللی دیدبان عدالت» ایران در سیزدهمین گردهمایی اجتماعی جهان که تحت عنوان «عدالت و کرامت» در سال ۲۰۱۳ اشاره کرد. رجوع شود به: <http://iajwatch.blog.ir/1395/05/06/edalat%20>

ب. نسبت جنبش فروم اجتماعی جهانی با انقلاب اسلامی از نظر مؤلفه هدف هدف فروم اجتماعی جهانی شکل دادن به جهانی شدنی است که: بر پایه حقوق جهانشمول بشریت، بر محور نیازهای انسانی و حفظ طبیعت و منافع نسلهای آینده است و در این راستا اهداف جزئی تری همچون: تفکر بازاندیشانه، بحث دموکراتیک ایده‌ها، تدوین پیشنهادات، تبادل آزاد تجربیات و درهم تنیدگی برای کنش مؤثر، توسط گروه‌ها و جنبش‌های جامعه مدنی تقویت و ایجاد پیوندهای جدید ملی و بین‌المللی در بین سازمان‌ها و جنبش‌های اجتماعی، مقاومت اجتماعی غیر خشونت‌آمیز در برابر روند غیر انسانی سازی جهان و تقویت اقدامات انسانی ناشی از کنش این جنبش‌ها و سازمان‌ها، تشویق نهادها و نظام‌های دموکراتیک جهانی در خدمت عدالت اجتماعی، برابری و حاکمیت مردم را در دستور کار خود قرار داده است.

در سویی دیگر انقلاب ایران نیز به دنبال تغییر در مناسبات فردی اجتماعی در عرصه جهانی بر پایه عدالت است و به عنوان هدفی دور بردتر زمینه‌سازی تحقق جهانشمولی اسلام در بستر حکومت جهانی مهدوی و حکومت جهانی مستضعفین را پی‌گیری می‌کند. به نظر می‌رسد چندان نیاز به بحث نباشد که این اهداف انقلاب ایران در سطحی فراتر از اهداف فروم اجتماعی جهانی قرار دارند اما با این وجود می‌توان گفت که اهداف جنبش فروم اجتماعی جهانی و اهداف انقلاب اسلامی در عرصه جهانی در طول یکدیگر قرار دارند. نکته دیگر آنکه هرچند هر دو به دنبال حقوق جهان‌شمول بشریت هستند اما انقلاب اسلامی مبتنی بر هویت انسانی - اسلامی خود تعریفی خاص از حقوق جهان‌شمول دارد که با حقوق جهان‌شمول مدرن متفاوت است.

به عبارتی دیگر برای تحقق هدف جهانی انقلاب ایران یکی از گامها مبارزه با جهانی‌سازی غربی و تحقق جهانی‌شدن دیگر با هویتی ضدسرمایه‌داری و مبتنی بر حقوق و کرامت انسانی و حفظ طبیعت است اما انقلاب ایران به این جهانی‌شدن دیگر محدود نشده و گامهای فراتری را نیز برای تحقق چشم‌انداز خود در نظر دارد. لذا در مجموع می‌توان گفت که هدف جهانی انقلاب ایران و هدف جنبش فروم اجتماعی جهانی متفاوت اما هم‌سو با یکدیگر بوده و در طول هم هستند و در نتیجه می‌توانند نسبتی هم‌افزا با یکدیگر برقرار نمایند.

ج. نسبت جنبش فوروم اجتماعی جهانی با انقلاب اسلامی از نظر مؤلفه رقیب با توجه به جدول جمع‌بندی مقولات مربوط به مؤلفه‌های انقلاب اسلامی می‌توان رقبای انقلاب اسلامی در عرصه جهانی را چنین برشمرد: طاغوت، مستکبران، جهانخواران بین‌المللی، امپریالیسم جهانی، سرمایه‌داری جهانی، صهیونیسم، بلوک شرق و غرب (آمریکا، شوروی، انگلیس، اسرائیل). از میان این رقبای مبارزه با جهانخواران بین‌المللی، امپریالیسم جهانی، سرمایه‌داری جهانی در قالب مبارزه با سرمایه‌داری و جهانی‌سازی هم اکنون از سوی جنبش‌های نوین اجتماعی همچون جنبش جهانی شدن دیگر پی‌گیری می‌شود لذا می‌توان این رقبای مشترک انقلاب اسلامی و فوروم اجتماعی جهانی دانست و لذا در این عرصه همسویی مناسبی وجود داشته و با توجه به زمینه‌های موجود می‌توان به دنبال هم‌افزایی میان آنها بود. با این وجود به نظر می‌رسد سطح رقیبی که انقلاب اسلامی برای خود مطرح می‌کند فراتر از سطح رقیب جنبش فوروم اجتماعی جهانی است. در بیان این تفاوت می‌بایست به این نکته توجه نمود که استکبار جهانی به عنوان رقیب اساسی انقلاب ایران در عرصه جهانی به عنوان یک مفهوم اسلامی فراتر از امپریالیسم و سلطه نئولیبرالیسم جهانی است.

برای تبیین مفاهیم طاغوت و استکبار می‌بایست این مفهوم را از منظر دینی مورد بررسی قرار داد. طاغوت در لغت از ماده طَغَى یَطْغَى است و به کسی که در شرّ و معصیت فراتر از حد خود قدم بردارد، طاعی و طاغوت گفته شده است (جوهری ۱۴۰۷: ۱۵۵). لذا به هر موجود سرکش و متجاوز طاعوت گفته می‌شود. برخی طغیان را با استکبار مترادف دانسته‌اند. در قرآن کریم، طاغوت پرستان بدتر از فاسقان اهل کتاب و حتی بدترین و گمراه‌ترین انسانها و ملعون و مغضوب خداوند، معرفی شده‌اند (مائده: ۵۹-۶۰) و رزمندگان در راه خدا در مقابل جنگ‌کنندگان در راه طاغوت قرار گرفته‌اند (نساء: ۷۶). اما استکبار از ریشه «ک-ب-ر» و به معنای برتری خواهی (مصطفوی ۱۳۶۸: ۱۷)، امتناع از پذیرش حق از روی عناد و تکبر (ابن منظور ۱۴۱۴: ۱۲۶) و خود بزرگ‌بینی دروغین (طریحی ۱۳۷۵: ۹) است.

بنابر این تعریف، استکبار، وصفی درونی است که لوازم و مظاهر مختلفی می‌تواند در جامعه داشته باشد. در علوم اسلامی نیز استکبار همواره با واژه‌هایی نظیر «ظلم» و «طاغوت» همراه است. در قرآن کریم نیز برای استکبار مصادیق متنوعی همچون: استکبار کفار (جائیه: ۳۱)، استکبار امم (بقره: ۸۷)، استکبار فرد به خدا (بقره: ۳۴)، استکبار فردی و اجتماعی (قصص: ۴ و ۳۹) اشاره شده است. استکبار از دیدگاه فرهنگ سیاسی اسلام، وجود نوعی سلطه‌گری، سلطه‌جویی، استعمار و بهره‌کشی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی توسط اقلیت محدودی زورگو و نفع‌طلب بر خیل عظیم توده‌های محروم می‌باشد. این عمل، می‌تواند داخلی باشد؛ به همان طریق که یک عده دیکتاتور و زورگو بر ملت‌های محروم تحت سلطه خود حاکمیت داشته، آنها را تحت فشار و ظلم قرار دهند و همچنین می‌تواند بین‌المللی باشد؛ بدین معنی که دولت و یا کشوری، سایر ملت‌ها را استثمار و به استضعاف بکشانند که نمونه بارز آن اعمال سیاست‌های استعمارگونه و امپریالیستی قدرت‌های بزرگ شرق و غرب در جهان می‌باشد (محمدی ۱۳۸۶: ۳۳).

در اندیشه امام خمینی نیز استکبار به نماد «سیاهی و تاریکی» در برابر «خود» ایرانی (مسلمان انقلابی) بازنمایی شده است. این سیاهی به مثابه نمادی از غروب/شب/ظلمات/گمراهی و ضلالت تداعی می‌شود و در مقابل انقلابی قرار می‌گرفت که نماد اصلی آن را باید در نشانه-واژه «نور» به مثابه نمادی از طلوع/روشنایی و رستگاری جستجو کرد. در اندیشه امام خمینی انسان مؤمن و انقلابی باید از جهان شر که جایگاه شیطان است دوری کند و به مقابله با این منبع هراس‌انگیز بپردازد (موسوی جشنی و درودی ۱۳۹۲: ۱۵). این تقابل و مبارزه میان قطب نور و قطب تاریکی را به خوبی می‌توان در این جملات دید: «دو جبهه است: جبهه طاغوت و جبهه اله؛ جبهه اله را که توجه به خدا دارد و ایمان به خدا دارند، خدای تبارک و تعالی آن‌ها را از همه ظلمت‌ها اخراج می‌کند و به نور می‌رساند. آن نور، نور خود حق است... طاغوت مردم را از نور خارج می‌کند و به ظلمات می‌رساند... راه طاغوت راه شیطان است...» (صحیفه امام، ج ۸: ۲۶۹).

بر همین مبنا امام خمینی به آمریکا به مثابه شیطان یا دیو بزرگ نگریسته و مقابله با آن را به عنوان نماد استکبار جهانی به عنوان یکی از اهداف جهانی انقلاب برجسته می‌نمایند.

«در این انقلاب، شیطان بزرگ که امریکا است، شیاطین را با فریاد دور خودش دارد جمع می‌کند. و چه بچه شیطان‌هایی که در ایران هستند و چه شیطان‌هایی که در خارج هستند، جمع کرده است و هیاهو به راه انداخته است.» (صحیفه امام، ج ۱۰، ص: ۴۸۹)

در اندیشه امام خمینی، «بیداری تمام خلق‌های مسلمان و مستضعف جهان» و «نابودی آدم‌خواران و سرمایه‌داران و جهان‌خواران و امپریالیسم جهانی» و «حکومت مستضعفان جهان» از راه کارهای خروج از ظلمات استکبار جهانی است. بر این اساس می‌توان گفت که امپریالیسم، نظام سرمایه‌داری جهانی، آمریکا و... از مصادیق امروزی استکبار جهانی هستند اما استکبار در پیوند با مفاهیم همچون طاغوت و شیطان بوده و سطوح گسترده‌تر و متنوع‌تری را شامل می‌شود. لذا می‌توان گفت که از نظر مؤلفه رقیب بین انقلاب اسلامی و جنبش فوروم اجتماعی جهانی قرابت گسترده‌ای وجود دارد. با این وجود همچون سایر مؤلفه‌ها به نظر می‌رسد سطح رقیبی که انقلاب اسلامی برای خود مطرح می‌کند فراتر از سطح رقیب جنبش فوروم اجتماعی جهانی است اما این فراتر بودن نافی همسویی آنها نبوده و زمینه مناسبی برای هم‌افزایی آنها وجود دارد.

جمع‌بندی

انقلاب اسلامی با توجه به جهت‌گیریهای فرهنگی خاص خود دارای هویت، هدف و رقیب خاصی در عرصه جهانی است. انقلاب ایران دارای هویتی انسانی، اسلامی و مکتبی است و هویت اسلامی و انسانی انقلاب ایران در یک نقطه با یکدیگر اشتراک پیدا می‌کنند و آن ابتنای این هویت بر فطرت است. و از آنجا که فطریات میان تمام انسانها مشترک هستند از این زمینه مشترک می‌توان به عنوان زمینه مشترک جهانی برای پی‌گیری اهداف و ایجاد جنبش‌های نوین اجتماعی در عرصه جهانی و در رقابت با جهت‌گیریهای

صندفطری به خصوص در پارادایم فرهنگی و در تأمین حقوق فرهنگی افراد استفاده کرد و بدین ترتیب در عرصه تدبیر جهانی به نقش آفرینی پرداخت. در مجموع با توجه به یافته‌ها می‌توان گفت که هویت جنبش فوروم اجتماعی جهانی به عنوان یک فضای گفتگوی آزاد برای مقاومت در برابر امپریالیسم و نولیبرالیسم شناخته می‌شود. این جنبش یک فضای متکثر، غیردولتی و غیرحزبی با سبکی غیر متمرکز و کنشگرانی با تنوع جنسیتی، نژادها، فرهنگ‌ها، نسل‌ها و ظرفیت‌های فیزیکی متفاوت است تا برای مقاومت در برابر امپریالیسم و نولیبرالیسم ایده‌پردازی نموده و به تبادل تجارب بپردازند. همانطور که واضح است این هویت بیانگر آن است که این جنبش هویت خود را در یک عرصه محدود تعریف نموده است در حالی که هویت انقلاب اسلامی معطوف به یک سطح کلان و به عنوان یک جریان انسانی-اسلامی (فطری) قابل طرح است. لذا هویت انقلاب اسلامی در سطحی فراتر از فوروم اجتماعی جهانی قرار دارد با این حال این امر به معنای تضاد هویتی آنها نیست بلکه بیانگر نوعی تفاوت است که امکان همسویی میان آنها وجود دارد.

از منظر مولفه‌های هدف و رقیب، اولاً هدف و رقیب انقلاب اسلامی به نسبت فوروم اجتماعی جهانی در سطوحی فراتری تعریف شده و ثانیاً هر چند میان اهداف و رقبای آنها تفاوت‌هایی وجود دارد اما آنها نه تنها متضاد با یکدیگر نیستند، بلکه همسو و در طول یکدیگر بوده و امکان هم‌افزایی میان آنها در عرصه تدبیر جهانی وجود دارد. از سویی دیگر به نظر می‌رسد می‌توان مبتنی بر هویت انسانی-اسلامی انقلاب اسلامی، فوروم اجتماعی جهانی تشکیل داد چرا که در اسلام بر گفتگوی با دیگران و دعوت به آرمان‌های اسلامی (در اینجا مقابله با استکبار و امپریالیسم را باید جزو آرمان‌های اسلامی متصور شد) تأکید شده و این آرمان‌ها به صورت بالقوه دارای زمینه پذیرش و جذب مخاطب در عرصه جهانی هستند لذا مبتنی بر جهت‌گیریهای خاص انقلاب اسلامی می‌توان شکل‌گیری جنبش ضد جهانی شدن خاصی را متصور شد که بتواند مبتنی بر هویت خاص خود نیز به نقش آفرینی در تدبیر جهانی بپردازد.

با این حال تا آن زمان به نظر می‌رسد که انقلاب اسلامی (کنشگران و جنبش‌های معتقد به آن) می‌بایست به هم‌افزایی با جنبش‌های جهانی هم‌سو با خود (به ویژه از نظر مؤلفه رقیب) پردازد و در یک ارتباط جهانی با جنبش‌های جهانی شدن دیگر و به طور خاص فوروم اجتماعی جهانی به ابراز هویت و تشکیل مقاومتی جهانی علیه سلطه سرمایه‌داری پردازد و از چنین فوروم‌هایی به عنوانی فرصتی برای شنیده شدن صدای خود، شناساندن خود، همکاری با جنبش‌های هم‌سو و ایجاد اعتمادی متقابل استفاده کند. از لوازم چنین امری رفع موانع پیش‌روی شکل‌گیری و فعالیت جنبش‌های نوین اجتماعی در ایران و حتی بسترسازی برای فعالیت‌های آنها در عرصه جهانی است. شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی با اهدافی چون: عدالت‌طلبی، ضدیت با سلطه جهانی، مخالفت با جنگ، صلح‌طلبی، حفاظت از محیط زیست و... در ایران به کنشگران و جنبش‌های معتقد و منبعث از انقلاب اسلامی کمک خواهد کرد تا بتوانند به عنوان کنشگرانی با هویتی خاص و غیردولتی در چنین فوروم‌هایی حضور یافته و به طرح نظرات و جلب توجه به اهداف خویش در عرصه جهانی پردازند.

این امر زمینه‌ساز حضور و نقش‌آفرینی کنشگران غیردولتی در قالب جنبش‌های نوین اجتماعی برای انتقال پیام‌ها و ارزش‌های انقلاب ایران در یک عرصه جهانی خواهد بود. در مجموع در این حضور می‌بایست به چند نکته توجه داشت: نخست آنکه انقلاب اسلامی مبتنی بر هویت انسانی و فطری خود قابلیت جنبش‌سازی در عرصه جهانی را داراست، دوم اینکه انقلاب اسلامی مبتنی بر اهداف و رقبای جهانی خود می‌بایست به همراهی و هم‌افزایی با جنبش‌های هم‌سو پردازد، سوم اینکه لازم است در تبیین رقبا و اهداف جهانی خود مبتنی بر هویت فطری و جهان‌شمول خود به گونه‌ای عمل کند که در عرصه جهانی قابلیت همراهی از سوی دیگر انسانهای آزادی‌خواه، ظلم‌ستیز، معنویت‌گرا و عدالت‌طلب را فراهم نماید تا امکان حضور مؤثر در مقاومت و تدبیر جهانی را بیابد و چهارم آنکه کنشگران انقلاب اسلامی می‌بایست به وجوه تمایز و تفاوت خود با جنبش‌های اجتماعی جهانی نیز توجه داشته باشند تا از مبانی هویتی خود دور نگردند.

منابع

الف) منابع فارسی

- ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی (۱۴۱۴)، لسان العرب، جلد ۵، بیروت: دار الصادر.
- امام خمینی، بی تا، نرم افزار صحیفه امام، نسخه ۳، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ایزدی، پیروز (۱۳۸۰)، «پورتوآلگره ۲۰۰۱-چشم در برابر چشم»، فصلنامه راهبرد، شماره ۱۹.
- بتو، فرای ولووی، میکائیل (۲۰۰۲)، «ارزش‌های یک تمدن نوین، ترجمه مونا پرهیزکار»، قابل دسترسی در: www.nashrebidar.com/tajdid%20arayesh/tajdid%20arays.pdf/davos.pdf
- بریچر، جرمی؛ کاستلو، تیم؛ اسمیت، برندان (۱۳۹۲)، جهانی سازی از پایین، ترجمه حسن نورایی بیدخت، انتشارات سروش.
- تورن، آلن (۱۳۷۹)، «از مدرنیته نخستین تا مدرنیته متأخر (گفتگو با آلن تورن)»، کتاب ماه علوم اجتماعی.
- تورن، آلن (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر مطالعه جنبشهای اجتماعی، ترجمه علی حاجیلی، در کتاب فهم و مطالعه جنبشهای اجتماعی جدید، انتشارات جامعه و فرهنگ.
- تورن، آلن (۱۳۹۷)، پارادایم جدید، ترجمه سلمان صادقی زاده، انتشارات علمی و فرهنگی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰)، «رهنمودهای حضرت آیت الله جوادی آملی به معاونت بین الملل حوزه»، هفته نامه افق حوزه، ویژه بین الملل، خردادماه.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، چاپ احمد عبدالغفور عطار، بیروت.
- چسترز، گریم، ولش، یان (۱۳۹۴)، جنبشهای اجتماعی؛ مفاهیم کلیدی، ترجمه: نرگس حسن لی، انتشارات امیرکبیر.
- دلپورتا، دوناتلا و دیانی، ماریو (۱۳۹۰)، مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی،

ترجمه: محمدتقی دلفروز، نشر کویر.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۷)، معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: ندیم مرعشلی، ناشر: مرتضوی.

ساویو، روبرتو (۱۳۸۵)، «از فوروم اجتماعی جهانی تا جنبش اجتماعی جهانی»، روزنامه سرمایه، شماره ۴۰۷، تاریخ: ۱۳۸۵/۱۲/۱۰، قابل دسترسی در: <https://www.magiran.com/article/1361484>

سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۴)، نظریه‌ها و تئوریهای مختلف در روابط بین‌الملل فردی - جهانی شده: مناسبت و کارآمدی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

شکوری، ابوالفضل (۱۳۶۱)، فقه سیاسی اسلام، جلد ۲، تهران، آرین.

طریحی، فخرالدین بن محمدعلی (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، جلد ۴، تهران، مکتبه المرتضویه.

فلین، سیمون‌ای، وینکلاو، راس‌ای، هاوسون، الکساندرا (۱۳۹۶)، نظریه‌های جنبش اجتماعی، ترجمه سعید خاوری‌نژاد، نشر فلات.

فوکو، میشل (۱۳۹۱)، ایران: روح یک جوان بی روح، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌نیده، تهران، نشر نی.

قانع‌راد، محمدامین؛ خسروخاور، فرهاد (۱۳۸۶)، «جنبش‌های اجتماعی جدید پایان مبارزه برای رفاه و سیاست اجتماعی؟»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۵.

کاستلز، مانوئل، اینس، مارتین (۱۳۸۴)، گفتگوهایی با مانوئل کاستلز، ترجمه: حسن چاوشیان و لیلا جوافشانی، نشر نی.

کوهن، جین و دیگران (۱۳۸۶)، فهم و مطالعه جنبش‌های اجتماعی جدید، ترجمه: علی حاجلی، انتشارات جامعه فرهنگ.

محمدی، منوچهر (۱۳۸۶)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشر دادگستر.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، فلسفه تاریخ، جلد ۴، انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، یادداشتهای استاد مطهری، جلد دهم، انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، آینده انقلاب اسلامی ایران، صدرا.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱)، درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی، پژوهش‌سکده

امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، جلد ۱۰، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

موسوی جشنی، سیدصدرالدین، و درودی، مسعود (۱۳۹۲)، «بازنمایی مفهوم «استکبار جهانی» در گفتمان دفاعی امام خمینی (ره) از جهان اسلام»، مجله جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، پیاپی ۱، صص ۱-۳۰.

ناصر، مصطفی (بی تا). فوروم اجتماعی جهانی؛ اشکال نوین مبارزاتی؛ کدام آلترناتیو؟، نشریه آرش، شماره ۸۷، قابل دسترسی در:

[http://www.nashre-](http://www.nashre-bidar.com/gunagun/ketabha/tajdid%20arayash%201/forom.htm)

ناصرخاکی، حسن (۱۳۹۹)، رساله دکتری با عنوان: «تحلیل مناسبات جنبش های نوین اجتماعی و انقلاب اسلامی در عرصه جهانی»، استاد راهنما: علی مرشدی زاده، دانشگاه شاهد.

نش، کیت (۱۳۹۴)، جامعه شناسی سیاسی معاصر (جهانی شدن، سیاست، قدرت)، ترجمه محمد تقی دلفروز، نشر کویر.

والرشتاین، امانوئل (۲۰۱۳)، «امید در برابر هراس؛ نگاهی به مجمع اجتماعی جهانی در تونس»، ترجمه: پرویز صداقت، نقد اقتصاد سیاسی، قابل دسترسی

در: <https://pecritique.com/2013/04/07/>

ب) منابع خارجی

Clarke, John N. and Edwards, Geoffrey R. (2004), "Introduction." In *Global Governance in the Twenty-First Century*, pp. 120. Houndmills and New York: Palgrave Macmillan

Kaldor, Mary (2011), Available at https://www.academia.edu/376658/Alter-globalization_Global_justice._Becoming_actors_in_the_global_age?auto=download&email_work_card=download-paper.

Pleyers, Geoffrey (2011), Available at https://www.researchgate.net/publication/281491983_Alter-Globalization_Becoming_Actors_in_the_Global_Age_Cambridge_Polity_2011

Sader, Emir (2002), "Beyond Civil Society", newleftreview ,No:17, Sept & Oct 2002, <https://newleftreview.org/issues/II17/articles/emir-sader-beyond-civil-society>

Scholte, Jan (2000), Globalization: A Critical Introduction. New York: Palgrave, Macmillan.

Touraine, A. (2007), New Paradigm for Understanding Today's World. Cambridge, Malden: Polity.

Touraine, A. (1981), The Voice and the Eye: An Analysis of Social Movements. Cambridge: Cambridge University Press.

Touraine, A. (1985), "An Introduction to the Study of Social Movements". Social Research, Vol. 52, No. 4, Social Movements (WINTER 1985), pp. 749-787.

Wieviorka, Michel (2011), Available at https://www.academia.edu/376658/Alter-globalization_Global_justice._Becoming_actors_in_the_global_age?auto=download&email_work_card=download-paper.

World Social Forum Charter (2001), http://ciranda.net/World-Social-Forum-Charter-of?lang=pt_br.

Zurn, Michael (2004), "Global Governance and Legitimacy Problems". Government and Opposition 39 (2): 260-87.